روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۷ ■ ۲۳ محرم ۱۴۴۰ ■ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۵۴۹ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان
■ ۱۱۷۹ سال و ۳۱۰ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.10 ■ No.2549 ■ Wed.Oct.03, 2018 ■ ISSN:2008-2886

دولت فرانسه اموال وزارت اطلاعات و ۲ ایرانی را که یکی از آنها دیپلمات بازداشت‌شده در آلمان است، مسدود کرد

بازداشت، لغو مصونیت و حالا دزدی اروپایی!

صفحه ۲

عذرخواهی آقای «یادتان هست»

صفحه ۲

تیترهای امروز

گزارش «وطن امروز» از رجزخوانی‌های ترامپ تا کاهش بی‌سابقه حضور ناوهای آمریکا در منطقه

لاف در توئیتر فرار از خلیج فارس!

صفحه ۵

انتشار نخستین تصاویر از محل‌های اصابت موشک‌های سپاه به مقر تروریست‌ها در شرق فرات

زدیم، این هم عکسش

صفحه ۲

درباره ماجرای تهیه‌کننده پرحاشیه سینما و رفتارهای متناقض سینماگران ایرانی

آدم‌های بزرگ آقایید؟!

صفحه ۱۳

وقتی محمدرضا پهلوی مردم ایران را با فانتوم بمباران کرد!

از قیام عشایر جنوب چه می‌دانید؟

صفحات ۶ و ۱۱

گزارش میدانی «وطن امروز» از بازار ارز؛ تداوم روند کاهشی نرخ دلار

معرکه فروش

عکس: اکبر توکلی، ایرنا

صفحه ۳

یادداشت امروز

اسطوره‌های تناقض

■ حسین قدیانی ■

به عنوان یک ایرانی اهل سفر که حتی محرم خود را هم به دیدن عزاداری سایر شهرها می‌گذراند، بسی مهم می‌دانم برگرداندن مجسمه تاریخی سر سرباز هخامنشی را به کشور. کاری که به قول رئیس قوه مجریه، محصول تلاش‌های فشرده حقوقی و دیپلماتیک بود. شکی نیست که درباره سلسله هخامنشیان و مشخصا جناب کورش، حرف‌های اغواگرانه و صدالبته سست، زیاد زده می‌شود و فی‌المثل به بهانه احترام به پاسارگاد، چیزهایی می‌گویند و کارهایی می‌کنند که مرغ پخته هم نمی‌تواند جلوی خنده‌اش را بگیرد! در همه حکاکی‌های تاریخی، دولتمردان ایرانی و من‌جمله همین کورش را با ریشی انبوه می‌بینی و آنوقت می‌بینی هستند جماعتی که گرد مزار آن شاه تاریخی، شعار چرت و بی‌بنیه «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی‌شه» را سر می‌دهند! از این تناقض‌ها زیاد است! از سویی منشور حقوق‌بشر کورش را لوحی مؤید حرمت حق و حقوق همه ابنای آدم نزد گذشتگان ایران عزیز می‌خوانند و از سویی جیغ می‌کشند که «نه غزه، نه لبنان»! از طرفی پز فردوسی می‌دهند اما با وجود «منیژه منم دخت افراسیاب، برهنه ندیده تنش آفتاب» مفتخرند به بی‌حجابی و حتی تبلیغ آن و فرستادنش برای پیچ آن موجود حقیقتا زشت‌کردار! دم از مساعی پادشاهان تاریخی در جهت حفظ وحدت ملی می‌زنند لیکن حتی بر اساس ظاهر هم ایرانی را تقسیم می‌کنند و خواهان دعوای ایرانی با ایرانی هستند و راپورتش به اجنبی! کورش را می‌ستایند که کمک‌حال همسایگان زمان خود بود اما جمهوری اسلامی را دقیقا به‌خاطر همین کار، محکوم می‌کنند! مظهر عرب‌ستیزی هستند ولی بشکه‌های شکم‌گنده آل‌سعود را «برادر» می‌خوانند! همه پزشان به ایران و ایرانی است و حتی فراتر از وطن‌دوستی، گاه سخن از وطن‌پرستی می‌گویند اما هنگام خرید شامپو و خمیردندان هم پز به برند خارجی می‌دهند و رسما سیلی به صورت کارگر هموطن می‌زنند! فریاد می‌زنند که «جانم فدای ایران» لیکن در ورای شهادت جان فدای امنیت کشور که دشمن را در همان سنگرهای ابتدایی متوقف نگه داشته، این‌جور تیتر می‌زنند: «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد!» عمری پز روشنفکری و مقابله با همه‌رقم مظاهر جمود و تحجر می‌دهند، بعد رنگ لوگوی روزنامه خود را با پرچم تکفیری‌ها ست می‌کنند! از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را مدح می‌کنند ولی به شهید امنیت مردم که می‌رسد، جوهر قلم‌شان خشک می‌شود! یا جوری می‌چرخد که بیگانه را خوش بیاید؛ «حالا بگو چقدر گرفتی، رفتی سوریه؟!» از مسیر اصلی سخن، دور نشوم! حرفم این است که با وجود همه این شارلاتان‌بازی‌ها، ما نباید دچار فهم غلط شویم و از سر لج با این جماعت لجباز، بی‌اعتنا باشیم به مظاهر ایرانیت خود! شاید همین مداقه‌ها و دغدغه‌ها بود که استاد شهید مرتضی مطهری را به نوشتن «خدمات متقابل اسلام و ایران» کشاند؛ این همه را نوشتم از سر تشکر از همه آن عزیزانی که مجسمه تاریخی سر سرباز هخامنشی را برگرداندند به کشور! قطعا کار درستی بود در حوزه فرهنگ و هنر و تاریخ و چه و چه! اما در حوزه سیاست خارجه و امور مرتبط با دیپلماسی، قولی که این دولت به ملت داد، از یاد نبریم چیز دیگری بوده! اینکه با برجام یا حالا هر چی، سر تحریم‌ها را از بدنش جدا کنند! القصه! برجام آمد و چه پر هیاهو هم اما شگفتا که مجدد و مشدد، تحریم شدیم! و نه‌تنها منبعث از برجام و روح پرفتوحش(!) از دامنه دشمنی دشمن با ما کم نشد که گستاخی را و خصومت را و ادبیات زشت را به بی‌سابقه‌ترین شکل خود رساندند سران کاخ سفید! زمان اوباما، یک‌جور و حالا لخت‌تر و عریان‌تر! زمان جان‌کری، موذیانه‌تر و حالا وحشیانه‌تر! لذا خوب است آقایان روحانی و ظریف، این را نیز توضیح دهند که اصلا و اساسا لغو بالمره همه تحریم‌ها در همان روز امضا یا حالا بگو اجرای برجام چه شد؟! آیا ما وارد مذاکره مستقیم با یانکی‌ها شدیم که وزیر امور خارجه‌مان از نزدیک وزیر خارجه آمریکا را زیارت کند یا هدف آن بود که متأثر از جدا شدن سر تحریم‌ها از بدنش، گشایشی در حوزه اقتصاد حاصل شود؟! برجام اما تجربه‌ای شد بلکه بیشتر بفهمیم راه گشایش اقتصادی، سازش سیاسی نیست!

ادامه در صفحه ۱۲

نگاه میهمان

افزایش اختلافات استراتژیک میان پاکستان و آمریکا

■ مصطفی زندیه* ■

سفر ماه گذشته مایک پمپئو، وزیرخارجه آمریکا به اسلام‌آباد و در ادامه آن بازدید پربارتر و طولانی‌تر این مقام آمریکایی از دهلی‌نو، مرحله‌ای دیگر از تشدید اختلاف‌های استراتژیک پاکستان و ایالات متحده آمریکا در قبال شراکت استراتژیک هند و ایالات متحده را به نمایش گذاشت. بر اساس اخبار منتشره، ۲ طرف در اسلام‌آباد بر محدود کردن اختلافات بین خود درباره مسائل تروریسم و احیای صلح و ثبات پایدار در افغانستان تاکید کردند. تنها چند روز پیش از ورود مایک پمپئو به اسلام‌آباد، ایالات متحده تصمیم گرفت اعطای مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار از صندوق حمایت از ائتلاف (CSF) به پاکستان را لغو کند. این تصمیم در واقع برای انتقال عدم رضایت ایالات متحده نسبت به ناتوانی پاکستان در اتخاذ تصمیم‌های مناسب و در راستای حمایت از استراتژی آمریکا در جنوب آسیا شامل اتخاذ اقداماتی جدی علیه تروریسم که از خاک پاکستان مشغول اجرای عملیات تروریستی هستند، گرفته شد.

همچنین مقامات ۲ کشور به تبادل دیدگاه‌های مختلف درباره شیوه‌ها و ابزارهای احیای صلح و ثبات پایدار در افغانستان پرداختند. نکته قابل توجه این است که با انجام سفر وزیر خارجه آمریکا به اسلام‌آباد برای هر ناظری تقریباً قطعی به‌نظر می‌رسد که رابطه ایالات متحده و پاکستان در وضعیت بسیار بغرنجی قرار دارد. یکی از علائم و ریشه‌های اصلی بروز این وضعیت، اعلام استراتژی ایالات متحده در جنوب آسیا و افغانستان در آگوست سال میلادی گذشته است که به پاکستان این هشدار را می‌داد که شراکتش با ایالات متحده، نمی‌تواند موضوع حمایت و پناه دادن به شبه‌نظامیان و تروریست‌هایی را که مقامات و اعضای دولتی ایالات متحده را هدف قرار می‌دهند، توجیه کند. این مسأله حاکی از آن است که اگر مطالبات ایالات متحده برآورده نشود، پاکستان ممکن است در معرض تحریم‌های کمک اقتصادی و نظامی قرار بگیرد.

در عین حال، در این استراتژی از کمک‌های مهم هند به ثبات در افغانستان استقبال شده است. ضمن اینکه بیانیه مشترک منتشره در ۶ سپتامبر پس از برگزاری گفت‌وگوی ۲+۲ وزرای ایالات متحده و هند در دهلی‌نو که در آن وزیر خارجه...

ادامه در صفحه ۱۲

دیدگاه

بمال‌درمانی وزیر درمان!

■ سینا زارع ■

شاید این از عجایب زمانه فعلی باشد که در میان حجم انبوهی از ناکارآمدی اقتصادی، خبرسازترین فرد دولت «وزیر بهداشت» آن است؛ ناگفته پیداست که بی‌وزیر بودن وزارتخانه‌های اقتصادی نیز در این امر بی‌تاثیر نبوده اما شاید آنچه عامل اصلی چنین مساله‌ای گردیده است صراحت قاضی‌زاده‌هاشمی است که سعی می‌کند به جای غیرمستقیم گفتن برخی نظرات حاکم بر منظومه ذهنی دولتمردان، آن را بی‌پروا بر سر زبان آورد و هر گاه نیز با حجمی از واکنش‌های اعتراض‌آمیز مواجه می‌شود، سخنی تندتر را به زبان می‌آورد تا پافشاری خود بر مواضع پیشین را به اثبات برساند. برای مثال اگر به عملکرد یک ماه اخیر شخص وزیر نگاهی مختصر بیندازیم از موضع عجیب وی پیرامون محکوم کردن انتقادات مردم به این علت که خودشان به این دولت و مجلس رای داده‌اند تا «خب، خودت بمال» در جواب پیرمردی که از هزینه بالای فیزیوتراپی گلایه کرده بود یا «اولویت نداشتن» تامین هزینه دارو و درمان بیمارانی که قرار است تنها چند سال دیگر عمر کنند، برمی‌خوریم که همه آنها پس از انتقادات عمومی با سخن و موضعی تندتر به حاشیه رفتند. بر همین مبنا شاید بی‌مورد نباشد سخنان اخیر وزیر بهداشت در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز را نیز در ادامه همین دومینو مورد ارزیابی قرار دهیم. «تکفیری» و «ادامه گروهک فرقان» خواندن و عامل شکل‌گیری گروهک‌های جدایی‌طلب دانستن دانشجویانی که از عملکرد وی گلایه کرده بودند، هرچند ادبیاتی به مراتب تندتر از سخنان قبلی وزیر بهداشت داشته است اما به صورت کلی این سخنان را نیز می‌توان در همان پازل پیشین مورد بررسی قرار داد.

شاید یکی از کامل‌ترین نمونه‌های نگرشی قاضی‌زاده را بتوان در حضور چند سال پیش او در یکی از برنامه‌های صداوسیما جست‌وجو کرد که در آن با صراحتی عجیب از رسانه ملی بابت تعطیل کردن برنامه‌هایی که در آن از مدیریت وزارت بهداشت نقد شده بود تشکر کرد و آن را نشانه همراهی تلویزیون با دولت در جهت خدمت‌رسانی بهتر دانست. واقعیت همین است و از دید وزیر بهداشت همچون مقام مافوق او در دولت، «نقد دولت» جایگاهی برابر با «تخریب کشور» دارد و هر کسی را بنا بر حوزه نقدش می‌توان با لقبی مورد نوازش قرار داد؛ به‌عنوان مثال نقد دیپلماسی دولت مساوی با «جنگ‌طلبی»، نقد اقتصادی دولت مساوی با «ونزوئلاسازی ایران»، نقد فرهنگی دولت مساوی با «مخالف آزادی بودن» و... است، پس طبیعتا در چنین شرایطی نیز نقد «تکبر» دولت مساوی با «فرقانیسم» و همردیف شدن در کنار قاتلان شهید مطهری تفسیر می‌شود.

با مجموعه این توصیفات سوالی که مطرح است نه پیش‌بینی لقب توهین‌آمیز بعدی که قرار است از دهان وزیر بهداشت خارج شود، بلکه هدف قاضی‌زاده از در پیش گرفتن این مسیر پاسخگویی است. آیا آنچنان که وزیر بهداشت در سخنرانی اخیر گفته‌اند نقدهای منتقدان دولت باعث حاکم شدن فضای ناامیدی در میان مردم نسبت به دولتمردان شده است؟ آیا نقد زندگی اشرافی مسؤولان که از بدیهی‌ترین اصول و ارزش‌های حکمرانی اسلامی در منطق امیرالمومنین(ع) است به معنای تکرار شدن تفکر گروهک فرقان در لباسی جدید است؟ آیا رای دادن اکثریت یک جامعه به دولتی، باعث سلب حق انتقاد از جانب موافقان و مخالفان آن دولت می‌شود؟

به شکل واضحی می‌توان با یک «نه» کوتاه که نشان از بدیهی بودن جواب دارد به تمام این سوالات پاسخ گفت اما با این حجم از بدیهی بودن، علت تکرار این مشی از سوی وزیر بهداشت و غالب وزرای دولت تدبیر و امید چیست؟ چرا توهین به منتقدان توسط دولتمردان از یک استثنا تبدیل به یک قاعده تکراری شده است؟

۱- شاید در سطحی‌ترین حالت ممکن بتوان اینگونه به مساله نگریست که امثال وزیر بهداشت همانند تمام ۵ سال گذشته کماکان تلاش می‌کنند با بدنام کردن منتقدان خود آنان را از اعتبار اجتماعی ساقط کنند و با موج‌سواری روی بی‌اعتباری آنان برای خود اعتباری کسب کنند و حتی در صورت فراهم بودن شرایط باز هم با خلق دوگانه سیاه و سفید، هزینه نقد را بالا برده و هرگونه نقدی را مساوی با صفاتی همچون فرقانی بودن منتقدان کنند. در این مورد جالب به نظر می‌رسد به‌رغم گذشت ۵ سال از آغاز مدیریت وزیر بهداشت باز هم وی در جواب انتقادات دانشجویان آنان را حواله به دولت قبل می‌دهد و مدعی می‌شود تفکر منتقدان بلاهای زیادی بر سر مردم آورده است.

۲- فراتر از بدنام کردن و بی‌اعتبار کردن منتقدان، شاید بتوان سعی اصلی قاضی‌زاده را تلاش برای جابه‌جا کردن «متهم» و «شاکی» در وضعیت موجود دانست. اینکه یک وزیر نحوه مدیریت خود را دارای چندان اثری در بروز و ظهور مشکلات نمی‌داند اما نقد چند دانشجو که صرفا سخنان توهین‌آمیز چند وقت اخیر او را ناشی از وجود روحیه اشرافی در وی دانسته‌اند، باعث شکل‌گیری فضای تجزیه‌طلبی می‌داند، نشان از آن دارد که از منظر وزیر بهداشت منتقدان باید به جای عاملان، پاسخگوی وضعیت موجود باشند. برابر دانستن نقد ناکارآمدی با خود ناکارآمدی و سپس علت دانستن این مساله در بروز نارضایتی عمومی پیرامون نحوه مدیریت جاری کشور، گویای آن است که برای دولتمردان نقد مشکلات با خود مشکلات برابری می‌کند پس منتقدان به جای شاکی بودن باید به‌عنوان متهم وضع موجود مورد شناسایی قرار بگیرند.

۳- از منظر وزیر بهداشت منتقدان او حتی اگر چند دانشجوی ساده باشند نیز حکم همان بیمارانی را دارند که چون چند صباحی دیگر زنده نیستند پس مداوای‌شان صرفه اقتصادی ندارد. به عبارت دیگر همانقدر که آنان چند سالی بیشتر قرار بر زنده بودن‌شان نیست این منتقدان نیز چند سال دیگر بیشتر دانشجو نیستند و پاسخگویی به آنان صرفه سیاسی ندارد! این حقیقت تلخ را می‌توان از نحوه پاسخگویی او به دانشجویی که تنها چند دقیقه تریبون برای نقد وزیر پیدا کرده بود مشاهده کرد و معترف به این مساله بود که وزیر در تمام طول سخنان خود بیش از آنکه نقدی را پاسخگو باشد، ماهیت نقادی را به نقد کشید تا به همگان عیان شود پاسخگویی به انتقادات برای او صرفه چندانی ندارد.